

یادداشتی از دکتر محمد رضا سعیدی؛

نگاهی به دیدگاه های اقتصادی مقریزی با تکیه بر قانون "گرشام" و نظریه پول؛ ایرونگ فیشر؛

"اغاثه الامه بکشف الغمه" نام رساله ی است از تقی الدین احمد بن علی مقریزی است که با عنوان «اقتصاد، جامعه شناسی و مدیریت در تاریخنگاری مقریزی» ترجمه و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ان را چاپ کرده است. وی از مورخان و فرهنگ و تمدن نویسان قرن هشتم و نهم هجری است. مقریزی که آوازه اش در تاریخ نگاری به ویژه تاریخ مصر است، در این رساله با رویکرد اجتماعی-اقتصادی به تاریخ مصر پرداخته شده است.

به گزارش خبر، دکتر محمد رضا سعیدی، دانش آموخته تاریخ و مطالعات سیاسی و اسلامی، در یادداشت ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر با موضوع "نگاهی به دیدگاه های اقتصادی مقریزی با تکیه بر قانون "گرشام" و نظریه پول" ایرونگ فیشر" آورده است.

نویسنده در این کتاب تاریخ بحران های اقتصادی، قحطی ها و گرانی های مصر را از ابتدا تا زمان تالیف کتاب (۸۰۸ق) گزارش کرده است. مقریزی در راستای رسیدن به هدف و اثبات اینکه در گذشته بحران های اقتصادی و اجتماعی سخت تر بوده، اقدام به مقایسه چرخه اقتصادی مصر در ادوار مختلف کرده است.

او کتابش را با مقایسه و تطبیق بحران های عصر خویش در مصر با بحران های مشابه ان در گذشته، آغاز کرده است، اقتصاددانان امروز از این بحران های متوالی به عنوان دوره های پیاپی ناشکوفایی اقتصادی در جامعه یاد می کنند.

پرده اول:

"مقریزی و قانون گرشام."

در قرن شانزدهم مشاور مالی ملکه الیزابت انگلستان توماس گرشام پی به واقعیتی مالی در رفتار مردم برد که بعدها به قانون گرشام شهرت یافت. در آن زمان حکومت انگلستان برای کاهش هزینه ضرب سکه، دو نوع سکه مختلف، اما با ارزش یکسان ضرب می کرد. یعنی (مثلا) یک سکه با آلیاژ خالص طلا و سکه دیگر با خلوص کمتر (ترکیبی از طلا با فلز دیگر) ضرب و روانه بازار می شد؛ اما ارزش هر دو سکه در دادوستد یکسان بود.

اگر کسی می توانست با سکه خالص ۱۰ قرص نان بخرد، در مورد سکه ناخالص هم همین ارزش حاکم بود و خرید ۱۰ قرص نان با سکه نوع دوم نیز میسر بود. اما بعد از مدتی اتفاقی افتاد که پیامد آن ورود قانون گرشام به ادبیات اقتصادی بود. مردم پی بردند که آلیاژ سکه ها متفاوت است.

حال اگر کسی سکه خالص را ذوب می کرد و آن را به فروش می رساند می توانست مثلا ۱.۵ سکه ناخالص را به دست آورد. پس اگر شخص ۲ سکه طلای خالص را ذوب می کرد می توانست ۳ سکه ناخالص به دست آورد و بر اساس مثال ابتدای مقاله، به جای خرید ۲۰ قرص نان، اکنون صاحب ۳۰ قرص نان شود.

بله کشف این واقعیت موجب شد رفته رفته سکه های خالص یا پول خوب، در جامعه کم شود. مردم پول خوب را ذوب کرده و آن را با پول ناخالص یا پول بد جایگزین می کردند. گرشام مشاور مالی حکومت وقت انگلستان، این موضوع را به اطلاع ملکه رسانید و هشدار داد ادامه این روند در حقیقت کاهش ارزش خزانه یا خروج طلای خالص از کشور را موجب خواهد شد.

این قانون گرچه به نام گرشام شهرت یافته، اما مقریزی پیش از صد سال از تولد گرشام این قانون را طرح کرده است.

در اینکه چگونه قانون گرشام در اندیشه مقریزی به وجود آمد باید گفت، او می دید که رواج فلوس یا پول مسی، که به طور طبیعی از پول طلا و نقره کم ارزش تر است، باعث ذخیره و انباشت (کنز) طلا و نقره می گردد و همین، زمینه به میدان آمدن گردش پول مسی را فراهم می کند.

اینجاست که او جوهر قانون گرشام را آشکار می سازد و ان این است که وقتی نرخ ها افزایش می یابد و دو معدن در ضرب سکه به کار گرفته می شود، که یکی گران تر از دیگری است، جامعه را در انجام عملیات پولی متوجه کم ارزش تر می کند و باعث پنهان نمودن پول با ارزش تر می شود؛ لذا پول بد، پول خوب را از صحنه خارج می سازد.

مقریزی این قانون را با صراحت بیان کرده است و می نویسد " چون در زمان ظاهر برقوق (حاکم وقت مصر)، محمو علی، امور مالی سلطان را برعهده گرفت، درصدد تحصیل سود و ثروت برآمد، از جمله کارهایی که انجام داد، رواج بی رویه فلوس (سکه مسی) بود.

او برای جذب مس سرخ، نیروهایی را به سرزمین فرنگ فرستاد و ضرابخانه ی در قاهره ایجاد کرد و ضرب سکه های مسی تا مدت ها در زمان او ادامه یافت. او در اسکندریه هم محلی برای ضرب سکه مسی ساخت. با این کار سکه های مسی فراوانی در دست مردم قرار گرفت، به طوری که پول های درهم کمیاب شد.

"مقربزی و نظریه پول"

ایرونگ فیشر" (۱۸۷۶-۱۹۴۷) اقتصاددان آمریکایی است که نظریه مقدار پول را پرورانید تا به بیان تغییرات سطح قیمت دست یابد. او در کتاب شاخص قیمت ها (۱۹۹۲م)، به مشخص کردن ویژگی های بهترین شاخص عملی قیمت ها در سنجش تغییرات قدرت خرید پول همت گماشت.

به نظر برخی جامعه شناسان اقتصاد، فیشر در نظریه مقدار پول، دنباله رو مقربزی است. مقربزی با بررسی تاریخ انواع پول در مصر، این نظریه را پیش از فیشر مطرح کرده است.

با این نظریه، مقربزی را می توان از پیشروان تئوری کمیت در ارزش پول دانست. او میان کمیت پول و سطح عمومی نرخ ها رابطه ایجاد کرد و می گوید براساس این نظریه وقتی شرایط معینی موجب تغییر در کمیت پول شد، به همان نسبت در سطح نرخ ها تغییر به وجود می آید و جامعه را با بحران مواجه می کند. او به کمیت پول به عنوان متغییر مستقل و سطح قیمتها و نرخ ها به عنوان متغییر وابسته نگریسته است.

منابع

-تقی الدین احمد بن علی مقربزی، اقتصاد، جامعه و مدیریت در تاریخ نگرى مقربزی تالیف و ترجمه، دکتر علی غلامعلی دهقی. تهران انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بهار ۱۳۹۱.

-مرتضی قره باغیان، فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، (بی جا) موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۶.

- عبدالله عبدالغنی غانم، علم الاجتماع الاقتصاد فی دراسات المسلمین، اسکندریه، المكتبة الجامعی الحدیث، ۱۹۹۳م.

-سیاوش مریدی و علیرضا نوروزی، فرهنگ اقتصادی، تهران، موسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه، ۱۳۷۳.